

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

تیمورشاه تیموری

المان – شهرک زیزن

سوم دسمبر ۲۰۱۴

اگر همه ملا شوند، مقتدی که شود؟

طوری که شنیده و خوانده میشود، درین اواخر در گسترش، تعمیم و تدریس علوم دینی سعی بلیغی به خرج داده میشود و گفته میشود، که باید مراکز تدریس علوم دینی در داخل مملکت تأسیس گردد، تا اشخاصی که بدین منظور به خارج از مملکت عازم میشوند، از رفتنشان جلوگیری شود و تعلیمات خود را در داخل فرا گیرند. و از طرف دیگر حکومت خاندانی عربستان سعودی قراردادی را با ریاست جمهوری افغانستان به امضاء رسانیده، که به موجب آن یک مرکز بزرگ اسلامی در قلب شهر کابل با مصرف اضافه از یک صد میلیون دالر بالای تپه مرغان ساخته شود. و گفته شده، که این مرکز قابلیت جذب بیست هزار محصل را دارد، که برای پنج هزار آن بود و باش لیلیه فراهم میشود.

بر علاوه تدریس احکام دینی و قرائت قرآن کریم طور مسابقه نیز رواج یافته و بالای اطفال زیر سن ده و دوازده آیات قرآن قرائت و یا حفظ کرده میشو، که ثقلت آیات قرآن بالای مغز و اعصاب اطفال صغیر گرانی میکند و برای آیات قرآنی نیز یک نوع تحقیر شمرده شده میتواند، که اطفال با وضو و یا بی وضو صحیح و یا غلط بگویند و بخوانند. و همچنان در پهلوی دستگاههای رسمی دولت، شوراهای علماء در مرکز و ولایات به کار افتیده، که این شوراهای بیشتر زیر تأثیر مقامات دولتی هستند، تا این که آزاد باشند و اینها برای تأیید اوامر دولتی دستپاک و دستاویز خوبی هستند. این شوراهای با آن که در مرکز و ولایات فعال هستند، اما پاشان و نامنظم هستند. بدین معنی، که تعداد و خود اشخاص در هر شورا معین نیست و کدام لست نامنویس و یا دفتری، که نام آنها در آن درج باشد وجود ندارد. بناءً جمعیت آنها در تحول است،

گاهی به تعداد زیاد و گاهی به تعداد کمتر عرض وجود مینمایند. و اینها کدام ارگان نشراتی از قبیل روزنامه یا جریده و یا مجله نیز ندارند، تا بعضی از احکام را جهت اطلاع مشتاقان نشر نمایند، که اکثر زنها و مردها از پرسشهای هرزمانی تلویزیونها رهائی یابند.

آنچه از همه مهمتر است اینست، که برای ملا شدن و ملا بودن کدام معیار و مقیاسی وجود ندارد، همین که شخصی مدتی چند چلی و مؤذن شد در گام سومی ریش میگذارد و عبا و قبا در بر میکند و ملا میشود. و کسی نیست از وی بپرسد، که ملا صاحب چه اندازه تعلیم و تحصیل نزد کدام عالم متبحر کرده ای و چه چیز اندوخته ای؟ از همین سبب است، که وقتی آنها بالای منبر میروند، آنچه از دهنشان میبرآید میگویند و بعضاً سخنانی ایراد میکنند، که موجب تحقیر و توهین دین و ایمان است. چنانچه در بین خود ملاها گفته ای وجود دارد که:

"خدا از شر ملای کنز و منیه نگه دارد!!!"

حال آن که بعضی از ایشان همان کنز و منیه را هم به خوبی نخوانده اند. تا اینجا از وضعیت امروزی دوره دیموکراسی و آزادی شمه ای بیان داشتم، اکنون یک اندازه کمی به عقب برمیگردیم:

در زمان سلطنت خاندانی و فقدان دیموکراسی و آزادی بیان هرگاه کثرت ملاها و شورای علماء وجود نداشت، اما دین اسلام، عقیده و ایمان وجود داشت. در پایتخت چند مکتب عالی و مسلکی و چندین مکتب ابتدائی وجود داشت، و در پروگرام درسی صنوف ابتدائی هفته ای دو و یا سه ساعت قرائت قرآن کریم جا داشت. درس قرآن در اتاق علیحده داده میشد، قاریهای آزموده و عالم قرائت را به شاگردان می آموختند. در صنوف بالا مضمونی به نام عقاید اسلامی و تاریخ اسلام درس داده میشد. اطفال و نوجوانان طریق وضو کردن و سجود و قعود را از مادران و پدران خود می آموختند، در مساجد نیز درس مذهبی توسط ملاها داده میشد. در ولایات نیز یک یک مدارس دینی وجود داشت و یک مجله به نام **"حی علی الفلاح"** از طرف وزارت معارف نشر میشد و همه مسلمان بودند. اما اکنون بعضی ها به این باور اند که فابریکهٔ ملاسازی در داخل مملکت ساخته شود، تا ملا تولید نماید و مملکت لااقل از همین یک صنعت خودکفاء باشد و اشخاص به خاطر حصول علم دین به دیگر ممالک اسلامی نروند. سؤال میشود که چرا نروند؟ مگر شاگردان ما برای تحصیل دیگر علوم از قبیل ساینس، فزیک، طب و غیره بورس دریافت نمیکند و به خارج نمیروند؟ محصلان علوم دینی نیز موظف اند به خارج سفر نمایند و به حیث عالمان متبحر باز گردند.

موضوع دیگری که به تازگی به وقوع پیوسته چنانچه گفته شد اعمار یک مرکز اسلامی در پایتخت مملکت از طرف مملکت عربستان سعودی میباشد. باید درین باره دقت و مذاقه بیشتر

صورت گیرد. آیا عربستان سعودی این مصرف گزاف را چرا متقبل و به چه مناسبت این مرکز اسلامی را در ملک ما احداث مینماید؟ دلیلش واضح است، که هرکس میتواند با جزئی تأمل به آن پی ببرد. و آن نفوذ عربستان سعودی از طریق دین و مذهب بر ما میباشد.

هرگاه این اقدام عربستان از روی دوستی و صمیمیت است، چرا این کمک و مساعدت را در امور دیگر در زیربناءهای مملکت، طب، تکنولوژی و غیره نمیکند. زیرا آنها میخواهد وهابیت را که نتیجه آن تحریک تعصب مذهبی، افراطگرایی، سلب آزادیهای مدنی، زن ستیزی و عقبگرایی و غیره صفات آزموده شده، که خودشان به آن متصف اند به ما اهداء کنند و آن را در ملک ما گسترش دهند و این یک شدیدترین بمب اتوم است، که در مملکت بیچاره و رنجیده ما در زیر چشم دولتمردان نابینا تعبیه میشود و عواقب ناگوار آن، جنگها و خونریزیهای مذهبی و عقبگرایی خواهد بود، که در آینده ای نچندان دور نمایان خواهد شد.